


**Economic Intertwinement of Islamic States with the Zionist Regime: Normalization
and the Shift Beyond the Palestinian Cause**Seyyed Nasrallah Hejazi¹ | Abolghasem Shahryari² | Fahimeh Asgarabadi³

Received Date: 2024/12/31

Accept Date: 2025/03/31

 10.27834/CSIW.2403.1384.1.36.4**Abstract**

The Al-Aqsa Storm operation in autumn 2023 and the subsequent Gaza war represent the latest manifestation of the enduring crisis in the Islamic world concerning Palestine. What has drawn attention in the realm of international relations is that, despite the killing of over 45,000 Muslims, no action has been taken by Islamic countries to sever political and economic ties with the Israeli regime. The present research seeks to examine the reasons behind this inaction by Islamic countries, proposing the hypothesis that the level of mutual interdependence formed between some Islamic countries and Israel in economic exchanges has prevented these countries from taking economic measures against Israel. The theoretical framework of this study is intertwined political economy, and the research method is quantitative, utilizing time-series techniques to examine the trade exchanges between Islamic countries and Israel from 1995 to 2021. The findings indicate that, with the exception of the Islamic Republic of Iran, all 56 member states of the Organization of Islamic Cooperation have had trade relations with the Israeli regime during this period. After 2006 and the 33-day war, Israel established extensive economic and security entanglements with Islamic countries through bilateral or multilateral agreements. As a result, the majority of Islamic countries, by endorsing the two-state theory, have officially deviated from the cause of Palestine and its historical Islamic lands.

Keywords: Palestine, Israel, political economy, normalization of relations, Islamic countries

¹.Assistant Professor, Department of Political Science, Hakim Sabzevari University, Sabzevar. snhejazi@chmail.ir

².Visiting professor of political science department of Bojnord University. ab.shahriari@mail.um.ac.ir

³.Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad. asgarabadi1989@gmail.com





درهم تنیدگی اقتصادی کشورهای اسلامی با اسرائیل: عادی سازی روابط و گذار از آرمان فلسطین

سید نصراله حجازی^۱ | ابوالقاسم شهریاری^۲ | فهیمه عسکرآبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

doi 10.27834/CSIW.2403.1384.1.36.4

چکیده

طوفان الاقصی در پائیز ۲۰۲۳ جدیدترین چهره بحرانی ریشه دار در جهان اسلام به نام فلسطین است. آنچه در حوزه روابط بین الملل مورد توجه قرار گرفته این امر است که علی رغم کشتار بیش از ۳۳ هزار مسلمان، اقدامی از سوی کشورهای اسلامی جهت قطع روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم اسرائیل به انجام نرسیده است. سؤال پژوهش حاضر بررسی چرایی اقدام کشورهای اسلامی بدین صورت می باشد و فرضیه مورد نظر آن است که سطح وابستگی متقابلی که میان برخی از کشورهای اسلامی با اسرائیل در مبادلات اقتصادی شکل گرفته است، مانع از آن شده که این کشورها امکان اقدامی در حوزه اقتصادی علیه رژیم صهیونیستی داشته باشند. چارچوب نظری پژوهش، اقتصاد سیاسی درهم تنیده می باشد، همچنین روش تحقیق کمی و از تکنیک سری زمانی جهت بررسی مبادلات تجاری کشورهای اسلامی با اسرائیل استفاده شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که به غیر از جمهوری اسلامی ایران، هر ۵۶ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱، دارای روابط تجاری با رژیم اسرائیل بوده اند و پس از سال ۲۰۰۶ و جنگ ۳۳ روزه، اسرائیل از طریق پیمان های دو یا چند جانبه گره خوردگی اقتصادی و امنیتی فراوانی را با کشورهای اسلامی ایجاد نموده است؛ به همین دلیل نیز اکثریت کشورهای اسلامی با رسمیت بخشیدن به نظریه دو دولت، به طور رسمی از آرمان فلسطین و سرزمین های تاریخی اسلامی آن عدول نموده اند.

واژگان کلیدی: فلسطین، اسرائیل، اقتصاد سیاسی، عادی سازی روابط، کشورهای اسلامی

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول) snehejazi@chmail.ir

^۲ استاد مدعو گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران ab.shahriari@mail.um.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. asgarabadi1989@gmail.com



استناد: حجازی، سید نصراله؛ شهریاری، ابوالقاسم و عسکرآبادی، فهیمه. (۱۴۰۴). درهم تنیدگی اقتصادی کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی:

عادی سازی روابط و گذار از آرمان فلسطین. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۲(۱)، ۱۰۴-۸۳



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای اطلاع از جزئیات به آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/legalcode.en> مراجعه نمایید.

مقدمه

وقوع جنگ در پائیز ۲۰۲۳ در غزه و پیامدهای آن که طبق گزارش‌های بین‌المللی پس از حدود پنج ماه بیش از ۳۳ هزار شهید در غزه برجای گذارده است، مجدداً افکار عمومی جهانیان را متوجه بحران فلسطین گرداند، امری که در بیش از هفتاد سال گذشته مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوع در جهان اسلام بوده است (Bordbar and Alishahi, 2023: 83). در این بین، موضوع ویژه دیگری نیز روی داده که عبارت است از توجه ویژه به عملکرد کشورهای اسلامی در حمایت از آرمان فلسطین و مقابله با رژیم اسرائیل. شدت گرفتن بحران به همراه خواست جوامع اسلامی برای مقابله با جنگی نابرابر و بدون رعایت حداقل‌های انسانی، از سوی دولت‌های اسلامی چندان با استقبال، اقدامات فوری و اجرایی مواجه نگردید. اوج‌گیری بحران در طول بیش از یک ماه پس از وقوع طوفان الاقصی، با موضع‌گیری‌های سیاسی کشورهای اسلامی از جمله ترکیه، آذربایجان، بحرین، امارات و... مبنی بر لزوم توجه به وضعیت غزه و در عین حال تأکید بر استمرار مبادلات تجاری با اسرائیل و عدم اقدامی جهت قطع و یا کاهش آن همراه گردید. در بالاترین وجه، در جلسه فوق‌العاده سران سازمان همکاری‌های اسلامی نیز علی‌رغم تلاش جمهوری اسلامی ایران، موضعی شفاف از سوی عمده کشورها در خصوص نحوه ارتباط با اسرائیل اخذ نگردید و صرفاً لزوم پایان جنگ در قطعنامه نهایی مندرج شد.

چنین شرایطی سبب گردیده تا سؤالی در خصوص نحوه رفتار عمده کشورهای مسلمان در رابطه با آرمان فلسطین مطرح گردد؛ به چه دلیلی علی‌رغم موضع‌گیری‌های سیاسی از سوی سران کشورهای اسلامی و به‌ویژه عربی، اقدامی از سوی اکثر آن‌ها در خصوص کاهش سطح روابط سیاسی و یا انقطاع روابط اقتصادی به انجام نرسیده است؟ به نظر می‌آید که سطح وابستگی متقابلی که میان برخی از کشورهای اسلامی و اسرائیل در مبادلات اقتصادی شکل گرفته است، مانع از آن باشد که این کشورها امکان اقدامی در حوزه اقتصادی علیه اسرائیل داشته باشند. هدف از پژوهش حاضر بررسی این فرضیه و ارائه پاسخی به سؤال مطرح شده است.

۱- چارچوب نظری: اقتصادسیاسی درهم‌تنیده

جمیل هلال نویسنده لبنانی در کتاب خود با عنوان «استراتژی‌های اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه» (Hilal, 1995) چنین بیان نمود که اسرائیل در صدد ایجاد اقتصادی درهم‌تنیده با کشورهای خاورمیانه است تا از این طریق، مشروعیت خود در میان آن‌ها را به‌دست آورد. این اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده در سه مرحله طراحی شده بود:

(۱) ایجاد پروژه‌های همکاری مشترک دوجانبه و چندجانبه

۲) همکاری نهادهای بین‌المللی جهت محقق ساختن پروژه‌های سرمایه‌گذاری کلان
 ۳) و در نهایت طراحی یک اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده برای مجموعه منطقه‌ای خاورمیانه که در آن وابستگی اقتصادی برای کشورها ایجاد گردد.

بنابراین چارچوب نظری مورد استفاده جهت بررسی وضعیت کنونی کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل را بایست در قالب اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده بررسی نمود. در یک طرح درهم‌تنیده اقتصاد سیاسی، آنچه به‌طور متعارف به‌عنوان موجودیت‌های سیاسی توصیف می‌شود، به رسمیت شناختن کشور مقابل و در نظر آوردن اقدامات و منافع یکدیگر است تا از این طریق هر دو بازیگر در یک نظام اقتصادی منتفع گردند. مبنای اصلی اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده تأکید بر این موضوع است که ارتباط اندک اقتصادی یک حکومت که از آن به تک محوری یاد می‌شود، سبب می‌گردد تا علاوه بر ایجاد محدودیت برای کسب درآمد و تخصیص آن، کسب مطلوبیت برای نظام سیاسی نیز دچار مشکل گردد. در مقابل، چند مرکزی یا شبکه مبادلات اقتصادی، حکومت را قادر خواهد ساخت تا علاوه بر افزایش تأمین نیازهای خود از طریق تعامل میان شرکت‌کنندگان متعدد، چارچوب نهادی را برای خود ایجاد نماید تا با تبادل آنچه شرکت‌کنندگان بدان علاقه‌مند هستند، وجود خود به‌عنوان یک حکومت را نیز به اثبات رساند (Wagner, 2019). به بیان دیگر، این اقدامات به ایجاد درهم‌تنیدگی اقتصادی میان دو یا چند واحد سیاسی منتهی می‌گردد (Koppl, 2014).

اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده به این موضوع اشاره دارد که اقدامات سیاسی بر همه معاملات اقتصادی حکومت تأثیر می‌گذارد؛ به همین دلیل نیز می‌بایست مجموعه معاملاتی را سامان داد که از تک محوری جلوگیری نموده و با ایجاد شبکه‌ای از تبادلات اقتصادی، نسبت به استمرار نظام سیاسی اقدام نمود. اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده برحسب بهره‌وری جهانی که به‌طور هم‌زمان در هر دو عرصه سیاسی و اقتصادی دنبال می‌شود، نظریه‌پردازی می‌گردد: درحالی‌که نهادهای سیاسی نمی‌توانند مستقیماً از فعالیت‌های خود سود کسب کنند، با این وجود اقدام سیاسی موفق، سودهایی را برای تصاحب ایجاد می‌کند، زیرا درآمد موجب افزایش سود اقتصادی و در عین حال منافع سیاسی می‌شود (Maymin, 2014). براساس این نظریه، درهم‌تنیدگی به این معنا است که یک رابطه اقتصادی به شکل‌گیری معاملاتی در حوزه سیاسی و حتی اجتماعی منتهی می‌گردد (Paganelli, 2014).

یکی دیگر از مبانی اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده این موضوع است که در عرصه تجارت جهانی، تأکید بر این اصل لیبرالیسم است که دولت‌ها بازیگران اصلی آن عرصه هستند و نمی‌توان از آن‌ها امتناع نمود و برای همراه نمودن آن‌ها با نظرات خود، ایجاد مبادلات اقتصادی تأثیر فراوانی دارد

(Garzarelli et al, 2023: 2). در عرصه مبادلات تجاری، روابط متقابل زودگذر ارزشی ندارد، چراکه مانع از استمرار مبادلات تجاری و همکاری سیاسی می‌شود و در واقع سیاست‌های تجاری عاملی اساسی برای روابط متقابل دو نظام سیاسی محسوب می‌گردند (Garzarelli and Galli, 2020: 145). علاوه بر این، تعاملات سیاست-اقتصاد یک‌باره و بدون حافظه نیست، بلکه تداوم دارد و تعاملات آینده را نیز شکل می‌دهد. به این ترتیب روابط اقتصادی پیامدهایی را ایجاد می‌نمایند که دستاوردهایی در حوزه سیاسی در پی دارد (Wagner, 2016).

در مجموع، اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده فرمول‌بندی رابطه بین سیاست و اقتصاد است که در آن سیاست‌های تجاری موجب ایجاد یکپارچگی در حوزه سیاسی می‌گردد؛ زیرا چنین مفروض است که حوزه اقتصادی در راستای اهداف سیاسی به انجام رسیده و هماهنگ می‌شوند و در یک فرآیند مستمر در حال گسترش هستند. سیاست و اقتصاد هر دو در شبکه‌ای از روابط قرار می‌گیرند که این شبکه شامل پیوندهایی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف از هر دو نوع است: نهادهای سیاسی با نهادهای سیاسی، واحدهای اقتصادی با نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی با نهادهای اقتصادی مرتبط می‌گردند. علاوه بر این خود شبکه، پیامد ناخواسته روابط متقابل بین سیاست و اقتصاد است. این نتیجه یک طرح نیست، بلکه نتیجه اضطراری بوم‌شناسی برنامه‌های عواملی است که سیستم را تشکیل می‌دهند (Wagner, 2012).

بنابر آنچه ذکر گردید، اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده مفهومی است به معنی به کارگیری عوامل اقتصادی که نه صرفاً برای سود اقتصادی، بلکه برای اهداف سیاسی نیز استفاده می‌شود. به طور کلی، اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده علاوه بر آن که تعامل اقتصاد و سیاست را مورد تأکید قرار می‌دهد، نشان دهنده مقاصد سیاسی است که برای اقدامات اقتصادی می‌توان متصور شد. ایجاد وابستگی صرف که با مفهوم تک‌محوری مورد اشاره قرار گرفته است، بدین معنی است که هر شریک تجاری برای تأمین تجارت خود مشروط به مبادلات با کشور مشخصی است که این وابستگی سبب می‌گردد تا اقدامات سیاسی کشور وابسته به مرور محدود گردد و در پی این درهم‌تنیدگی اقتصادی، توانایی تصمیم‌گیری سیاسی نیز مختل گردد.

۱- پیشینه پژوهش

جستجو در منابع منتشر شده در پایگاه انتشارات فارسی حاکی از آن است که پژوهشی در خصوص وابستگی اقتصادی کشورهای جهان اسلام و اسرائیل به انجام نرسیده است؛ لیکن پژوهش‌های وجود دارد که دارای سطحی از قربت با پژوهش حاضر هستند و در جدول ذیل درج شده‌اند:

جدول-۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده	یافته پژوهش
۱	Nasri et al, 2023	اسرائیل تلاش دارد تا طریق بسط روابط و پیوندهای خویش با کشورهای آفریقایی به اهدافی از قبیل ارتقاء مشروعیت، پرستیژ سیاسی بین‌المللی و بهره‌برداری اقتصادی دست‌یابد.
۲	Zielińska, 2023	ایجاد رابطه تجاری، اقدامی مؤثر از سوی اسرائیل جهت برقرار روابط سیاسی با کشورهای عربی بوده است.
۳	Jamshidi et al, 2022	صلح ابراهیم موجب همکاری اسرائیل با کشورهای عربی منطقه گردیده و این موضوع راهبردی از سوی آمریکا برای محدود نمودن فعالیت ایران بوده است.
۴	Sachs and Huggard, 2020	ایجاد ارتباطات تجاری، احتمال تخاصم کشورهای همسایه با اسرائیل را کاهش داده است.
۵	Dobers et al, 2018	تجارت موجب تشدید همکاری می‌گردد و ارتباطات اقتصادی سبب شده تا وابستگی متقابلی در دولت خودگردان فلسطین نسبت به اسرائیل ایجاد گردد
۶	Ahmadi, 2017	اسرائیل در پوشش روابط اقتصادی تلاش نموده تا روابط خود با مصر، اردن، ترکیه و عراق را عادی‌سازی نماید.
۷	Rad Goudarzi, 2016	نیازهای متقابل آذربایجان و اسرائیل سبب گردیده تا سطح روابط میان دو کشور افزایش یابد
۸	Jalalpour and Latifinia, 2015	نفوذ اقتصادی اسرائیل از جمله مهم‌ترین عوامل حضور این کشور در کردستان عراق است.
۹	Sohrabi and Jannati, 2014	دسترسی به عمق استراتژیک هدف اصلی اسرائیل پس از جنگ ۳۳ روزه است که برای نیل بدان از نفوذ اقتصادی نیز استفاده می‌نماید
۱۰	Lavee et al, 2013	استفاده اسرائیل از موافقت نامه‌های تجارت آزاد جهت گسترش روابط اقتصادی خود با کشورهای

همسایه

اسرائیل با استفاده از دیپلماسی اقتصادی توانسته تا عادی‌سازی روابط خود را با امارات و بحرین به انجام برساند	Karimipour, 2012	۱۱
بررسی راهبردهای اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه و استفاده از تعاملات اقتصادی در گسترش روابط با کشورهای عربی	Zare and Mahmoudi, 2009	۱۲
پس از جنگ ۳۳ روزه، راهبردهای اسرائیل جهت ارتباط با کشورهای خاورمیانه تغییر داده و حوزه عمرانی و اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.	Hatit, 2008	۱۳

تمایز اصلی پژوهش حاضر در پیشینه بررسی شده در دو بخش است:

- ۱) عمده مطالعات داخلی به تحلیل کیفی بسنده نموده‌اند، لیکن در پژوهش مطالعه سری زمانی مبادلات تجاری اسرائیل با کشورهای اسلامی بررسی خواهد شد.
- ۲) در تمامی پژوهش‌های بررسی شده به یک یا تعدادی کشور بسنده شده است اما در پژوهش حاضر تمامی ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی مورد بررسی خواهند بود.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات کمی است و از تکنیک سری زمانی^۱ جهت پاسخ به سؤال پژوهش استفاده شده است، سپس بر اساس نتایج حاصل از سری زمانی، تحلیلی از روند مبادلات کشورهای جهان اسلام و اسرائیل ارائه خواهد شد.

اهمیت سری‌های زمانی در علوم سیاسی، شناسایی روندهای طی شده است. سری‌های زمانی، حلقه ارتباطی گذشته و آینده هستند که با کمک گرفتن از تناوب یا توالی حوادثی که در گذشته رخ داده‌اند به بررسی فرآیندهای موجود دست می‌یازند. فرآیند سری‌های زمانی توالی‌های پیوسته یا گسسته داده‌های کمی معطوف به لحظات خاص در زمان و مطالعات آماری توزیع آن‌ها است (Shafiei, 2011: 86). تحلیل سری‌های زمانی برای توضیح آنچه در گذشته روی داده و هم برای پیش‌بینی آنچه در آینده ممکن است به کار گرفته می‌شوند (Mannheim and Rich, 1998: 540). سری زمانی، مجموعه مشاهداتی است که برحسب زمان مرتب شده‌اند؛ به عبارت دیگر سری

¹ Time series

زمانی عبارت از داده‌هایی است که از مشاهده یک پدیده در طول زمان به دست آمده است. تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی متضمن توصیف فرآیند یا پدیده‌ای است که تولید دنباله می‌کند (Khorrani, 2006: 13).

سری‌های زمانی تغییرات مجموعه‌ای از حوادث را در طول زمان اندازه می‌گیرد و بدین ترتیب رویدادها را قابل پیش‌بینی می‌سازد (Shafiei, 2011: 86). یک مجموعه سری زمانی می‌تواند چهار حالت داشته باشد:

(۱) روند یا تمایل بلندمدت^۱: تحول وضعیت مورد مطالعه در یک دوره طولانی با مسیر

ثابت صعودی یا نزولی

(۲) تغییرات دوره‌ای^۲: تکرار حرکات صعودی یا نزولی وضعیت مورد مطالعه حول

سطوح روند.

(۳) تغییرات فصلی^۳: تغییراتی هستند که در دوره‌های تناوبی کوتاه پیش می‌آیند و در

واقع رفتار دوره‌ای متغیر را نشان می‌دهند که در همان فصل با شدت مشابه تکرار

می‌شوند

(۴) تغییرات نامنظم^۴: حرکات پراکنده در یک سری زمانی که از الگوی منظمی پیروی

نمی‌کنند. این نوسانات تحت تأثیر وقایع غیرعادی هستند مانند اعتصاب و تصادف و

... (Khorrani, 2006: 44-46).

از میان مدل‌های متفاوت در بررسی سری‌های زمانی، مدل آریما^۵ کاربرد فراوانی دارد زیرا توانایی فراوانی برای تحلیل سری‌های زمانی نایستا دارد (Khorrani, 2006: 86) و از آنجا که مبادلات تجاری تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، این مدل برای بررسی سری زمانی مبادلات اسرائیل و کشورهای اسلامی انتخاب گردید.

داده‌های مورد استفاده در پژوهش نیز بر اساس گزارش بانک جهانی در بازه زمانی ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱ است^۶ و در دو بخش صادرات و واردات و دو شیوه حجم و ارزش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مبادلات تجاری نسبت به ۵۷ کشور عضو اصلی سازمان همکاری‌های اسلامی مد نظر است و بررسی خواهد شد.

بر این اساس و با توجه به سؤال پژوهش که عبارت بود از: به چه دلیلی علی‌رغم

1 - Trend

2 - Cyclical Variation

3 - Seasonal Variation

4 - Irregular Variation

5 - ARIMA model

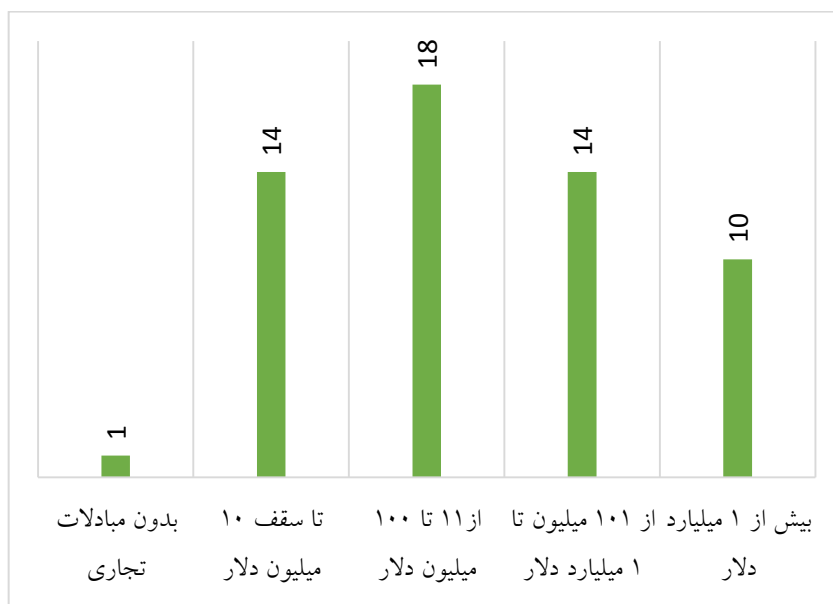
6 - wits.worldbank.org

موضوع‌گیری‌های سیاسی از سوی سران کشورهای اسلامی و به‌ویژه عربی، اقدامی از سوی اکثر آن‌ها در خصوص کاهش سطح روابط سیاسی و یا انقطاع روابط اقتصادی به انجام نرسیده است؟ این فرضیه مطرح شده است که: به نظر می‌آید سطح وابستگی متقابلی که میان برخی از کشورهای اسلامی و اسرائیل در مبادلات اقتصادی شکل گرفته است، مانع از آن باشد که این کشورها امکان اقدامی در حوزه اقتصادی علیه اسرائیل داشته باشند.

۳- یافته‌ها پژوهش

بررسی داده‌های موجود در خصوص مبادلات تجاری رژیم اسرائیل با کشورهای اسلامی در بازه زمانی ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱ حاکی از آن است که در دوره مورد نظر، صرفاً جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی فاقد روابط تجاری با اسرائیل بوده است و سایر ۵۶ کشور اسلامی در سطوح مختلفی در بازه زمانی مورد نظر با رژیم اسرائیل روابط تجاری داشته‌اند. در نمودارهای ذیل وضعیت کشورهای اسلامی و مبادلات تجاری آنان با اسرائیل به تصویر کشیده شده است.

نمودار-۱. سطح مبادلات تجاری کشورهای اسلامی با اسرائیل



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

جمهوری اسلامی ایران تنها کشور بدون مبادلات تجاری با اسرائیل بوده است. ۱۴ کشور تا سقف ۱۰ میلیون دلار مبادلات تجاری با اسرائیل داشته‌اند که عبارت‌اند از: الجزایر، بحرین، برونتی، جزایر کومور، گامبیا، کینه بیسائو، لبنان، لیبی، موریتانی، عمان، سومالی، سورینام، سودان،

یمن.

۱۸ کشور بین ۱۱ تا ۱۰۰ میلیون دلار مبادلات تجاری با اسرائیل داشته‌اند که عبارت‌اند از: افغانستان، بورکینافاسو، چاد، گینه، گویان، عراق، کویت، قرقیزستان، مالدیو، مالی، موزامبیک، نیجر، قطر، عربستان، سیرالئون، سوریه، تاجیکستان، تونس.

۱۴ کشور بین ۱۰۱ تا ۱ میلیارد دلار مبادلات تجاری با اسرائیل داشته‌اند که عبارت‌اند از: آلبانی، بنگلادش، بنین، کامرون، ساحل عاج، جیبوتی، گابن، مراکش، پاکستان، سنگال، توگو، ترکمنستان، اوگاندا، ازبکستان.

۱۰ کشور بیش از ۱ میلیارد دلار مبادلات تجاری با اسرائیل داشته‌اند که عبارت‌اند از: آذربایجان، مصر، اندونزی، اردن، قزاقستان، مالزی، نیجریه، ترکیه، امارات، دولت خودگردان فلسطین.

اولین یافته پژوهش مشخص می‌سازد که برخلاف آنچه در جهان اسلام بیان می‌گردد، تنها کشورهای معدودی به دنبال عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل نیستند و تمامی کشورهای اسلامی (منهای ایران) دارای روابط تجاری با اسرائیل هستند و این کشور توانسته است اقتصادی در هم تنیده با کشورهای جهان اسلام ایجاد نماید. در رأس کشورهای اسلامی، دولت خودگردان فلسطین قرار گرفته که بالاترین سطح مبادلات با اسرائیل را داراست. در جدول ذیل روند مبادلات مهم‌ترین شرکای تجاری اسرائیل در جهان اسلام طی یک دهه گذشته بررسی شده است.

جدول-۲. مهم‌ترین شرکای تجاری اسرائیل در جهان اسلام

سال	صادرات		واردات	
	کشور	ارزش (میلیارد دلار)	کشور	ارزش (میلیارد دلار)
۲۰۱۲	فلسطین	۳,۳	ترکیه	۲,۳
	ترکیه	۱,۷	آذربایجان	۱,۷
	مالزی	۰,۸	قزاقستان	۱,۷
۲۰۱۳	فلسطین	۳,۷	ترکیه	۲,۸
	ترکیه	۲,۸	آذربایجان	۱,۳
	مالزی	۱,۵	قزاقستان	۰,۸
	فلسطین	۴	ترکیه	۳
	ترکیه	۳,۵	آذربایجان	۱,۸

۲۰۱۴	مالزی	۱,۴	قزاقستان	۱,۵
۲۰۱۵	فلسطین	۳	ترکیه	۲,۵
	ترکیه	۲,۲	فلسطین	۰,۸
	مالزی	۱,۴	آذربایجان	۰,۸
۲۰۱۶	فلسطین	۳	ترکیه	۳
	ترکیه	۱,۵	فلسطین	۰,۸
	مالزی	۰,۶	آذربایجان	۰,۷
۲۰۱۷	فلسطین	۳,۲	ترکیه	۳,۵
	ترکیه	۱,۵	فلسطین	۰,۹
	آذربایجان	۰,۲	آذربایجان	۰,۶
۲۰۱۸	فلسطین	۳,۶	ترکیه	۶,۵
	ترکیه	۲	آذربایجان	۱,۳
	آذربایجان	۰,۱	فلسطین	۱
۲۰۱۹	فلسطین	۳,۶	ترکیه	۴,۵
	ترکیه	۱,۷	آذربایجان	۱,۳
	آذربایجان	۰,۱	فلسطین	۰,۹
۲۰۲۰	فلسطین	۳,۳	ترکیه	۴,۷
	ترکیه	۱,۵	فلسطین	۰,۹
	آذربایجان	۰,۲	آذربایجان	۰,۵
۲۰۲۱	فلسطین	۴,۲	ترکیه	۶,۳
	ترکیه	۲	فلسطین	۱,۱
	امارات	۰,۳	امارات	۱

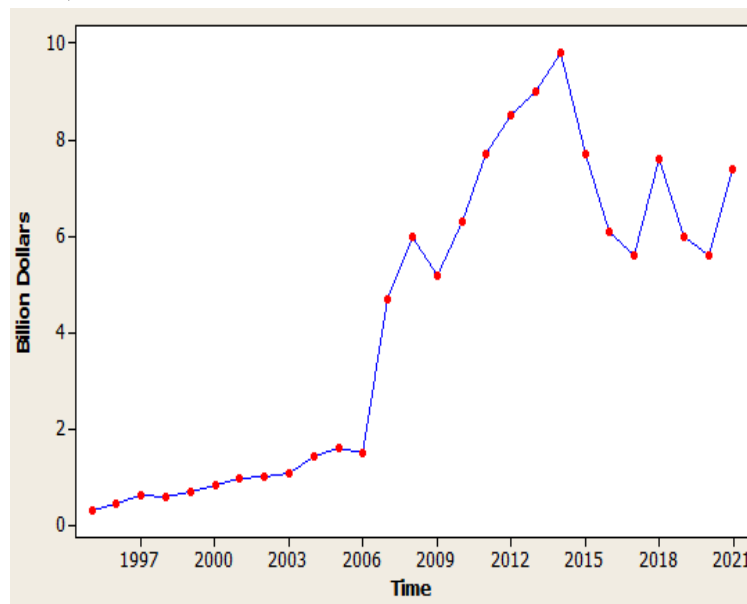
منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

همان‌گونه که در جدول درج گردیده است، دولت خودگردان فلسطین و ترکیه مهم‌ترین مقاصد صادرات اسرائیل در جهان اسلام محسوب می‌گردند و در طرف مقابل، ترکیه و آذربایجان نیز بیشترین صادرات به اسرائیل داشته‌اند. مهم‌ترین محصول ارسالی از کشورهای جهان اسلام به اسرائیل، هیدروکربن‌ها هستند که نفت خام در صدر آن‌ها قرار دارد؛ در مقابل نیز محصولات فراوری شده از نفت خام به ویژه گاز مایع، بنزین، نفت سفید، سوخت جت، روغن دیزل، روغن‌های نفتی، قیر و الکتروسیته مهم‌ترین محصولات صادراتی اسرائیل برای کشورهای اسلامی هستند. به بیان دیگر، اسرائیل مواد خام از کشورهای اسلامی وارد نموده و پس از پالایش، محصولات ناشی از نفت خام را به کشورهای اسلامی صادر می‌نماید.

علاوه بر ایجاد اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده با کشورهای که ذکر شد بر اساس نمودار ۱ تمامی کشورهای اسلامی به غیر از ایران، دارای روابط تجاری با اسرائیل هستند که روند این مبادلات در دو بخش صادرات و واردات مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه ارزش مبادلات میان کشورها تحت تأثیر قیمت‌ها می‌باشد، در هر بخش علاوه بر بررسی مبادلات بر اساس ارزش (میلیارد دلار)، حجم مبادلات (درصد) نیز بررسی خواهد شد.

۳-۱- سری زمانی ارزش صادرات اسرائیل به کشورهای جهان اسلام

نمودار-۲. سری زمانی ارزش صادرات اسرائیل به کشورهای جهان اسلام



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

سری زمانی صادرات اسرائیل به کشورهای جهان اسلام حاکی از آن است که تا سال ۲۰۰۶

هرچند روند صعودی وجود داشته، لیکن این روند بسیار کند و با شتاب بسیار پائین است؛ اما از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۵ سیر صعودی بسیار شدیدی حادث شده است که نشان‌دهنده توسعه صادرات این رژیم به کشورهای اسلامی می‌باشد. پس از سال ۲۰۱۵ نیز هرچند طی چند سال فراز و فرود وجود داشته اما در این سال‌ها نیز همچنان ارزش صادرات بسیار بیشتر از صادرات قبل از سال ۲۰۱۷ است. بر این اساس می‌توان روند ارزش صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی را به دو بخش ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱ تقسیم‌بندی نمود.

جدول-۳. توصیف سری زمانی ارزش صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی

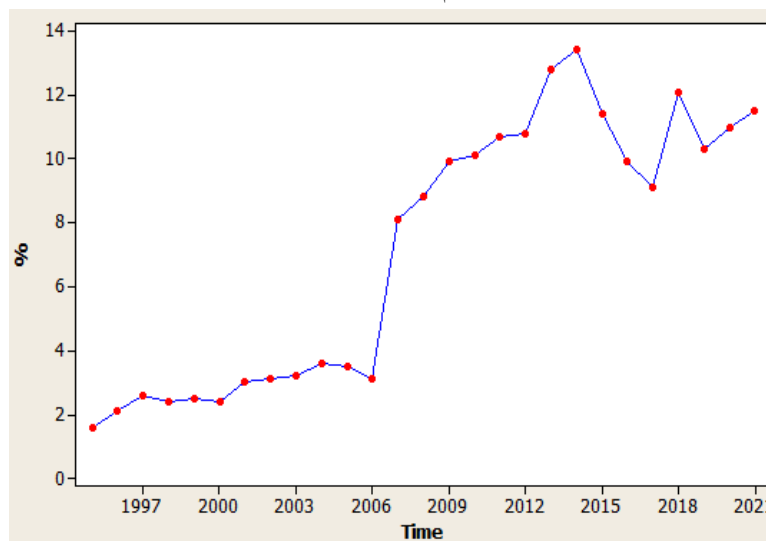
صادرات از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶		صادرات از ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱		صادرات از ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱	
مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد	مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد	مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد
۱۱,۱	۳۰,۹٪	۱۰۳,۲	۴۰,۱٪	۱۱۴,۳	۲۲۱,۲٪

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

اطلاعات جدول تائید می‌نماید که در هر دو بخش از دوره مورد بررسی، صادرات اسرائیل دارای روند صعودی بوده؛ لیکن پس از سال ۲۰۰۶ روند رشد بیشتری را تجربه نموده است. در مجموع نیز اسرائیل بیش از ۱۱۴ میلیارد دلار در دوره مورد بررسی به کشورهای اسلامی صادرات داشته و ارزش صادرات خود را بیش از بیست برابر نموده است.

۳-۲- سری زمانی حجم صادرات اسرائیل به کشورهای جهان اسلام

نمودار-۳. سری زمانی حجم صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

همچون روند ارزش صادرات، حجم صادرات نیز روند با ثباتی را داراست و از سال ۲۰۰۶ افزایش شدیدی داشته است. حجم صادرات در سال ۱۹۹۵ کمتر از دو درصد می‌باشد که در انتهای سری زمانی به حدود ۱۲ درصد و در نقطه اوج خود بالغ بر ۱۴ درصد رسیده است.

جدول-۴. توصیف سری زمانی حجم صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی

صادرات از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶		صادرات از ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱		صادرات ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱	
میانگین حجم	ضریب رشد	میانگین حجم	ضریب رشد	میانگین حجم	ضریب رشد
۲,۸	۹۴٪	۱۰,۷	۲۷۱٪	۷,۲	۶۱۹٪

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

در دوره مورد بررسی، حجم صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی بیش از شش برابر شده و به‌طور میانگین سالانه ۷,۲ درصد از صادرات این رژیم به کشورهای اسلامی بوده است. به لحاظ حجم صادرات و رشد آن تا سال ۲۰۰۶ سرعت اندکی واقع شد؛ لیکن از سال ۲۰۰۷ به بعد حجم صادرات افزایش بیشتری یافته است.

ضریب محاسبه شده برای ارزش و حجم صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی در جدول ذیل درج شده است.

جدول-۵. سری زمانی وضعیت ارزش و حجم صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی

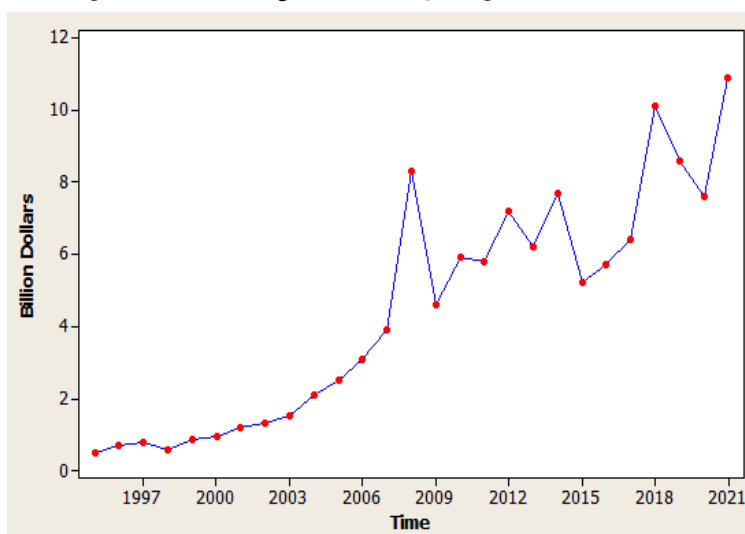
ضریب سری زمانی صادرات	
ارزش صادرات	حجم صادرات
۰,۸۲۵	۰,۸۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

با توجه به روند صعودی نسبتاً پایدار در سری زمانی صادرات اسرائیل (به لحاظ ارزش و حجم) ضریب محاسبه شده مدل آریما بسیار افزایش یافته است و این نکته را تأیید نموده که علی‌رغم برخی کاهش‌های سال ۲۰۱۵ به بعد، با توجه به این موضوع که این کاهش‌ها بسیار فراتر بخش عمده‌ای از سری زمانی تا سال ۲۰۰۶ هستند، به همین دلیل نیز ضریب افزایش یافته و سبب شده است روندی باثبات و افزایشی برای صادرات اسرائیل به کشورهای اسلامی حاصل شود.

۳-۳- سری زمانی ارزش واردات اسرائیل از کشورهای جهان اسلام

نمودار-۴. سری زمانی ارزش واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

ارزش واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی در بازه زمانی مورد بررسی صعودی بوده و از سال ۲۰۰۶ افزایش بسیاری یافته است. هرچند در دوره ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱ با نزول‌های مواجه شد لیکن سال‌های نزولی این بازه نیز بسیار بیشتر سال‌های منتهی به ۲۰۰۶ هستند و به همین دلیل سیر صعودی در ارزش واردات قابل مشاهده است، به طوری که کمترین میزان واردات مربوط به سال پایه (۱۹۹۵) می‌باشد و بالاترین میزان واردات نیز مربوط به سال نهایی (۲۰۲۱) و بین این دو روند صعودی رخ داده است.

جدول-۶. توصیف سری زمانی ارزش واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی

واردات از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶		واردات از ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱		واردات ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱	
مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد	مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد	مجموع به میلیارد دلار	ضریب رشد
۱۶,۱	۲۵۱٪	۱۰۴,۱	۵۲۰٪	۱۲۰,۲	۲۰۸۰٪

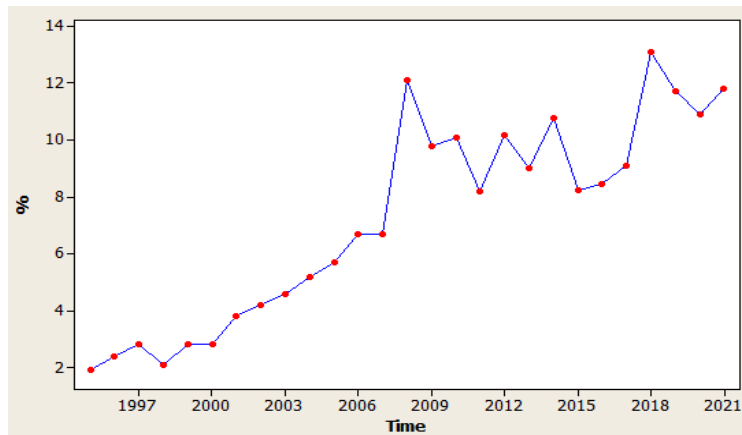
منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

در بازه زمانی مورد بررسی، رژیم اسرائیل ارزش واردات خود از کشورهای اسلامی را حدوداً ۲۱ برابر کرده و در مجموع بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار محصولات مختلف که در رأس آن نفت خام بوده را از کشورهای اسلامی وارد نموده است. چه به لحاظ ارزش و چه به لحاظ ضریب رشد، پس

از سال ۲۰۰۶ تغییرات بسیاری در میزان واردات رخ داده است که تأیید کننده روند موجود در نمودار ۳ می‌باشد.

۳-۴- سری زمانی حجم واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی

نمودار-۵. سری زمانی حجم واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

حجم واردات از کشورهای اسلامی با روندی رو به رشد تا سال ۲۰۰۶ به حدود ۷ درصد رسید اما پس از آن شتاب بیشتری پیدا نمود و نقطه اوج ۱۳ درصد را نیز طی کرد. در سال‌های پس از ۲۰۰۶ هرچند نزول‌هایی به وجود آمد لیکن وضعیت این سال‌ها همواره بهتر از بازه ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶ است و به همین دلیل روند صعودی در سری زمانی قابل مشاهده می‌باشد.

جدول-۷. توصیف سری زمانی حجم واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی

واردات از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶		واردات از ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱		واردات ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۱	
میانگین درصد	ضریب رشد	میانگین درصد	ضریب رشد	میانگین درصد	ضریب رشد
۳٫۷۵	۲۵۳٪	۱۰	۳۲۱٪	۷٫۲	۵۲۱٪

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

حجم واردات در سری زمانی بیش از پنج برابر شده و به طور میانگین در دوره مورد بررسی ۷٫۲ درصد از واردات سالانه اسرائیل از طریق کشورهای اسلامی تأمین شده است.

جدول ۸- سری زمانی وضعیت ارزش و حجم واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی

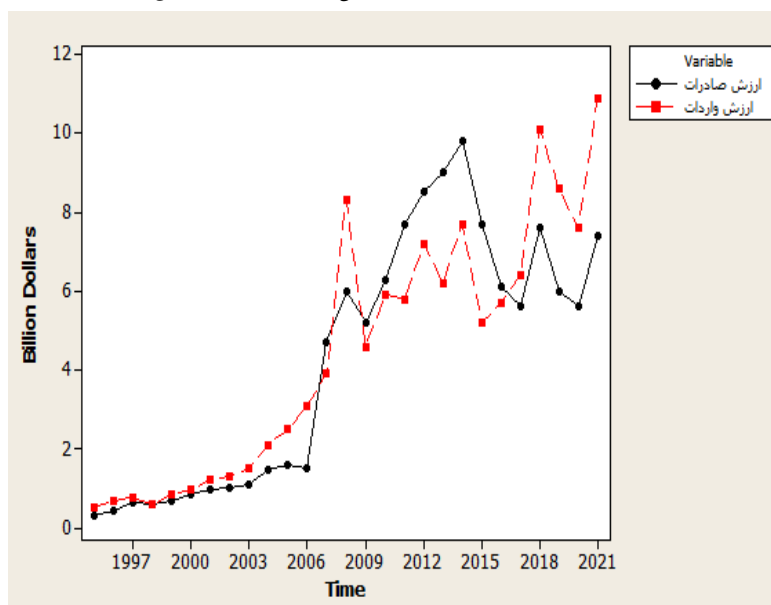
ضریب سری زمانی واردات	
ارزش واردات	حجم واردات
۰,۶۵۷	۰,۷۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

در سری زمانی، حجم و ارزش واردات دارای روند صعودی بوده‌اند و نزول برخی از سال‌ها نیز بیش از سال‌های ابتدایی سری زمانی است. به همین دلیل در مدل آریما، ضریب صعودی برای آن‌ها محاسبه شده است. به بیان دیگر، واردات اسرائیل از کشورهای اسلامی روند صعودی داشته و نزول در برخی از سال‌ها مانع از روند صعودی نشده است.

۳-۵- تراز تجاری اسرائیل و کشورهای اسلامی

نمودار ۶- تراز تجاری اسرائیل و کشورهای اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

همان‌گونه که در نمودار مشخص است تا سال ۲۰۰۸ واردات بر صادرات فزونی داشته و تراز تجاری اسرائیل نسبت به کشورهای اسلامی منفی بوده؛ لیکن از ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۶ صادرات بر واردات فزونی گرفته و تراز تجاری به نفع اسرائیل شده است. از ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱ مجدداً تراز تجاری اسرائیل نسبت به کشورهای اسلامی منفی شده است. جزئیات تراز تجاری در جدول ذیل درج شده است.

جدول ۹- تراز تجاری اسرائیل و کشورهای اسلامی

تراز تجاری	مجموع واردات	مجموع صادرات
-۵,۹	۱۲۰,۲	۱۱۴,۳

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات بانک جهانی

در مجموع مبادلات ۲۳۴,۵ میلیارد دلاری کشورهای اسلامی و اسرائیل، تراز تجاری اسرائیل منفی شده و این کشور بالغ بر شش میلیارد دلار به کشورهای جهان اسلام بدهکار گردیده است.

۳-۶- اسرائیل و اقتصاد سیاسی درهم‌تنیده با جهان اسلام پس از سال ۲۰۰۶

آنچنان که در بررسی وضعیت مبادلات رژیم اسرائیل و کشورهای اسلامی مشخص گردید، علی‌رغم آن که وجود هرگونه روابط با رژیم اسرائیل، اعم از سیاسی و اقتصادی مورد توجه رهبران جهان اسلام بوده است (ghorbani, 2023)، اما همچنان که در توصیف و تحلیل داده‌ها مشخص گردید، روند تجاری رژیم اسرائیل با کشورهای اسلامی به دو دوره پیش و پس از ۲۰۰۶ تقسیم می‌گردد؛ هرچند از ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶ نیز روند مبادلات رو به ازدیاد بوده، لیکن از سال ۲۰۰۷ جهش بسیار زیادی به وجود آمده است. باید توجه داشت که سال ۲۰۰۶ مبنای مهمی در روابط این رژیم با کشورهای اسلامی بوده است، چراکه مصادف با وقوع جنگ ۳۳ روزه یا جنگ تموز می‌باشد که طی آن ورود و مقابله اسرائیل با حزب‌الله لبنان منجر به درگیری طولانی گردید که در نهایت نیز دستاوردی برای آن متصور نشدند. وقوع این جنگ و حمایت جوامع اسلامی از اقدامات مقابله‌گونه با اسرائیل سبب گردید تا این رژیم جهت افزایش نفوذ خود در کشورهای اسلامی نسبت به گسترش مبادلات تجاری اقدام نماید (Zheng and Yanan, 2023) و آن‌گونه که در بخش یافته‌ها روایت گردید، سطح مبادلات و وابستگی خود با کشورهای اسلامی را تا حد بسیار زیادی افزایش دهد. اسرائیل جهت اجرایی نمودن این وضعیت، از چندین مکانیسم سود جسته است؛

۳-۶-۱- انعقاد پیمان‌های دوجانبه با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا

در این مورد، اسرائیل نسبت به انجام سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف و انعقاد قراردادهای بلندمدت جهت خرید محصولات اقدام نموده است. پیمان‌های دوجانبه، روابط اسرائیل با هر یک از دولت‌های عربی را در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی تقویت نموده و علاوه بر این، سازمان‌دهی اداری و فنی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. گسترش روابط اقتصادی با مصر، مراکش، آذربایجان، ترکیه و امارات متحده عربی مهم‌ترین مصادیق این نوع پیمان‌ها برای اسرائیل هستند (Ivkovic, 2023; Shakovskaya et al, 2023; Cohen and Musmar, 2020).

۳-۶-۲- پیمان‌های چندجانبه

در این سیاست، سرمایه‌گذاری سه یا چندجانبه در یک پروژه مد نظر بوده و یا قراردادهای تولید و توزیع محصولاتی بین دو یا چند کشور با محوریت اسرائیل منعقد شده است. در این نوع از پیمان‌ها، تمرکز بر تأسیس محورهایی می‌باشد که به تدریج تشکیلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن ظهور نموده است. مهم‌ترین مصداق برای این نوع پیمان، روابط سه‌جانبه موجود میان اسرائیل، اردن و دولت خودگردان فلسطین است. پیمان ابراهیم دیگر مصداق بارز پیمان‌های چندجانبه اسرائیل با کشورهای اسلامی است که طی آن به‌طور هم‌زمان بحرین، امارات، سودان و مراکش با اسرائیل همکاری خواهند نمود و شش کشور اسلامی دیگر نیز درصدد اضافه شدن بدین قرارداد هستند: عربستان، موریتانی، اندونزی، عمان، پاکستان و ازبکستان (Kosman, 2022; Zisser, 2022; Dachtler, 2022; Fernandez, 2021; Baqai and Mehreen, 2021; Rehman, 2020). سال ۲۰۱۰ و وقوع جریان بهار عربی، فرصت مناسبی را برای رژیم اسرائیل فراهم ساخت تا از واهمه شکل گرفته در کشورهای عربی منطقه جهت گسترش نفوذ سیاسی و امنیتی خود استفاده نماید (Amour, 2017; Taffal, 2015). هرچند این تحولات در جوامع اسلامی تهدید بالقوه برای اسرائیل نیز محسوب می‌گردید و به همین دلیل موجب افزایش همکاری‌های این کشورها با اسرائیل شد. تلاش‌های اسرائیل جهت ایجاد وابستگی در نظام اقتصادی کشورهای همسایه و پس از آن کشورهای اسلامی نزدیک به مرزهای این رژیم، به‌طور ویژه از سال ۲۰۱۶ افزایش یافته و از این سال به‌طور فزاینده‌ای از روابط استراتژیک تقویت شده اسرائیل نه تنها با مصر بلکه با اردن، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، ترکیه و آذربایجان افزایش یافته است.

نتیجه‌گیری

درهم‌تنیدگی اقتصادی و وابسته نمودن کشورهای دیگر به مبادلات تجاری مسیری است که امکان نفوذ در ساختارهای سیاسی را افزایش می‌دهد. مبادلات تجاری به ویژه در شکل واردات مواد خام و صادرات کالاهای فراوری شده، سبب می‌گردد تا عدم‌تقارنی حادث شود که پیامد آن عبارت است وابستگی یک طرفه این مبادله به دیگری و تسری این وابستگی به حوزه سیاسی و تصمیم‌گیری. عدم‌تقارن به این امر اشاره دارد که طرف وابسته‌تر به‌طور بالقوه می‌تواند سوژه اعمال قدرت از طرف دیگری باشد. این وابستگی نامتقارن سبب ایجاد شرایطی می‌شود که از آن می‌توان به عنوان منبع اصلی قدرت استفاده نمود. درهم‌تنیدگی اقتصادی تشریح چنین وضعیتی است و نظریه‌پردازان آن معتقدند که سطح پیچیدگی اقتصادی یک دولت نشان‌دهنده وضعیت اختیار آن در اعمال حاکمیت است. یافته‌های پژوهش تأیید نموده است که اسرائیل واردکننده مواد اولیه خام و در رأس آن نفت خام از کشورهای اسلامی می‌باشد و در مقابل محصولات فراوری شده از نفت

خام و الکتریسیته مهم‌ترین محصولات صادراتی اسرائیل برای کشورهای اسلامی هستند. به بیان دیگر، اسرائیل مواد خام از کشورهای اسلامی وارد نموده و پس از پالایش، محصولات حاصل از نفت خام را به کشورهای اسلامی صادر می‌نماید و این رابطه اقتصادی نامتقارن به نفع این رژیم می‌گردد.

عادی‌سازی روابط اقتصادی به همراه روابط سیاسی با دیگر کشورهای اسلامی، خط مشی اسرائیل است که طی دهه‌های گذشته از سوی این رژیم برای کاهش سطح تنش و ایجاد وابستگی متقابل با کشورهای اسلامی از آن سود برده است و با ایجاد پیمان‌های دو یا چندجانبه سعی نموده تا از درهم تنیدگی اقتصادی، برداشت‌های سیاسی خود را به دست آورده و عادی‌سازی روابط را با سرعت بیشتری به انجام رساند. همان‌گونه که اطلاعات بررسی شده نمایان ساخت، طی سال‌های اخیر، روابط تجاری کشورهای اسلامی شدت بسیاری پیدا نموده است و کشورهای بیشتری از جهان اسلام در حال انجام مبادلات سطح بالا با رژیم اسرائیل هستند، تا آنجا که دولت خودگردان فلسطین مهم‌ترین مبدأ صادرات اسرائیل در جهان اسلام گردیده است.

آنچه خروجی عادی‌سازی روابط تجاری با اسرائیل بوده و منجر به سکوت کشورهای اسلامی در قبال وقایع غزه گردیده است، گره‌خوردگی امنیتی- اقتصادی کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل است. شرط ایجاد روابط اقتصادی ممتاز با دولت‌های اسلامی همسایه، تعریف اسرائیل از امنیت ملی خود بوده که در راستای آن به تولید منافع مشترک پرداخته است؛ منافی که امکان شروع جنگ، درگیری نظامی و یا حمایت از چنین اقداماتی را کاهش داده است. آنچه اینک در میان اکثریت کشورهای اسلامی در جریان است، دیگر نه حمایت از آرمان فلسطین و اقدام در جهت آن، بلکه روابط غیررسمی و در عین حال عمیق با اسرائیل است که حاکمیت این رژیم بر بخش‌های عمده‌ای از سرزمین تاریخی فلسطین را به رسمیت شناخته و با مبنا قرار دادن نظریه دو دولت، روابط خود با رژیم اسرائیل را ساماندهی نموده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Ahmadi, V. (2017). Israel and its Peripheral Countries; Security Influence with Economic Coverage. *Strategic Studies Quarterly*, 20 (76), 113-136. [In Persian]
- Amour, P. (2017). Israel, the Arab Spring, and the unfolding regional order in the Middle East: a strategic assessment, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 44 (3), 293-309.
- Baqai, H. and Mehreen, S. (2021). Abraham Accords: A Journey From Arab-Israeli to Palestinian-Israeli Conflict, *Journal of Independent Studies and Research*, 19

- (1), 113-126.
- Bordbar, A. & Alishahi, A. (2023). Analysis of the Paradigm Shift of Hamas Movement in the October 7, 2023 Operation (Changing the Approach of Defense to Offense). *Crisis Studies of the Islamic World*, 10 (2), 82-114. Doi: 10.27834/CSIW.2311.1316.2.29.2. **[In Persian]**
- Cohen, E. and Musmar, F. (2020). The Israel-UAE Peace Agreement Opens the Door, *Begin-Sadat Center for Strategic Studies*, No Working paper: 6355.11.
- Dachtler, P. (2022). From New to Normal: Two Years after the Abraham Accords, *Focus*, 5 (2), 2-12.
- Dobers, G. M., Ihle, R., Kachel, Y., & Liebe, U. (2018). Economic integration in the Middle East: Israeli-Palestinian fresh food trade. *Israel Affairs*, 24(3), 421-441.
- Fernandez, M. (2021). Economic Dividends of the Abraham Accords, *European Journal of Business and Management Research*, 6 (6), 205-208.
- Garzarelli, G. and Galli, E. (2020). The Political Red Queen, *Journal of Public Finance and Public Choice*, 35 (1): 141-160.
- Ghorbani, S., fekri, M. & fathi, M. (2023). Palestine crisis in Ayatollah Boroujerdi and Imam Khomeini's thoughts. *Crisis Studies of the Islamic World*, 9(4), 103-130. Doi: 10.2783.4999/CSIW.2306.1265.4.27.5. **[In Persian]**
- Hatit, A. (2008). Israel's new strategy in the Middle East, *Islamic World Leadership Studies*, 38 (2): 58-35. **[In Persian]**
- Hilal, J. (1995). Israel's economic strategy in the Middle East, Beirut, Institute of Palestine Studies.
- Khorrami, M. (2006). Time series analysis with MINITAB 14 software, *Mashhad: Sokhongostar*. **[In Persian]**
- Jalalpur, S. & Latifinia, A. (2015). Autopsy of Israel's foreign policy towards Iraqi Kurdistan: 2003 to 2015, *New Research in Human Sciences*, 11 (3), 181-198. **[In Persian]**
- Jamshidi, M. fallahi, S. & aidi, M. (2023). Threats and Opportunities of America's Grand Strategy (in the era of Joe Biden) in West Asia on the Strategic Management of the Islamic Republic of Iran. *Crisis Studies of the Islamic World*, 9 (3), 97-117. Doi: 10.2783.4999/CSIW.2306.1267.3.26.5 **[In Persian]**
- Karimipour, D. (2012). Israel's Economic Diplomacy Strategy in the Persian Gulf. *International Political Economy Studies*, 4(2), 551-579. **[In Persian]**
- Koppl, R. (2014). Introduction to Entangled Political Economy, *Austrian Economics*, 18 (1): 1-18.
- Kosman, M. (2022). Abraham Accords Against the Backdrop of the Middle East, *Przegląd Strategiczny*, 15 (2), 105-122.
- Ivkovic, N. (2023). Azerbaijan-Israel Strengthened Partnership and its Implications for Regional Geopolitics, *Caucasus Strategic Perspectives*, 4 (2), 49-59.
- Lavee, D. Beniad, G. & Moshe-Jantzis, M. (2013), Israel's foreign trade policy: The benefits of its reform, *Journal of Policy Modeling*, 35 (2): 255-270.
- Mannheim, Y. & Rich, R. (1998). Research Methods in Political Science: An

- Empirical Analysis, translated by Leila Sazgar, Tehran: University Press. **[In Persian]**
- Maymin, P. (2014). A New Algorithmic Approach to Entangled Political Economy: Insights from the Simplest Models of Complnconvexity, *Austrian Economics*, 18 (1): 213-236.
- Nasri, Z. Zibae, M. & Akhavan kazemi, M. (2023). The Dimensions and Goals of Israel's Presence and Influence in Africa. *Iranian Research letter of International Politics*, 12 (1), 586-613. Doi: 10.22067/irlip.2023.74337.1211. **[In Persian]**
- Paganelli, M. (2014). Adam Smith and Entangled Political Economy, *Austrian Economics*, 18 (1): 37-54.
- Rad Goudarzi, M. (2016). Israel and Azerbaijan Relationship: Foundations, Necessities and Constraints. *World Politics*, 5 (3), 218-185. **[In Persian]**
- Rehman, A. (2020). Causes behind the Abraham Accord and its consequences for the Peace Process in the Middle East, *The Middle East Journal*, 20 (4), 73-83.
- Shafiei., H. (2011). Time Series and Conditional Forecasts in Political Science, *Political Science*, 15 (2): 97-83. **[In Persian]**
- Sachs, N. & Huggard, K. (2020). Israel in the Middle East: The next two decades, *Foreign Policy at Brookings*, November 2020.
- Shakovskaya, M. Barnashov, O. Malakhovsky, A. & Danilov, V. (2023). Turkish-Israeli Relations: Partnership, Problems, Perspectives, *Vestnik RUDN International Relations*, 23 (4), 704-718.
- Sohrabi, M. & Gennati, E. (2014). Israel's foreign and security policy priorities in the new regional environment, *International Relations Studies*, 31 (3): 141-174. **[In Persian]**
- Taffal, A. (2015). The impact of the arab spring on the palestinian question, *Przegląd Strategiczny*, 8 (3), 135-146.
- Wagner, R. (2019). Governance within a system of entangled political economy, *Forest Policy and Economics*, 107 (3): 1-7.
- Wagner, R. (2016). Politics as a Peculiar Business: Insights from a Theory of Entangled Political Economy, *Cheltenham, UK: Edward Elgar*.
- Wagner, R. (2012). A Macro Economy as an Emergent Ecology of Plans, *Journal of Economic Behavior and Organization*, 82 (3): 433-444.
- World Bank (2021). Access at: wits.worldbank.org
- Zare, T. & Mahmoudi, A. (2009). Israel's economic influence in the region, *Tehran: Andishezazan Noor*. **[In Persian]**
- Zheng, H. and Yanan, W. (2023). Trade and Attitude: Evidence from the Israeli-Palestinian Conflict, *International Business*, 18 (5), 1-15.
- Zielińska, K. (2023). Israel and the Arab states: between conflict and interdependence, *Centre for Eastern Studies*, 505 (3): 1-7.
- Zisser, E. (2022). The Abraham Accords - Israel and the Middle East, *Transatlantic Policy Quarterly*, 21 (3), 11-19